

Tuesday, August 06, 2019
10:22 AM

خانواده متعادل در آیات و روایات

محمد پناهی^۰

چکیده

«خانواده» رکن اساسی جامعه انسانی است و شرط استواری آن وجود روابط صحیح بین اعضای خانواده است. در اهمیت نقش خانواده همین نکته بس که در پیشینه اغلب اشخاصی که دچار انحطاط اخلاقی و باعث ایجاد انحراف در جامعه شدند، مشکلات خانوادگی کاملاً مشهود است. محققین علوم تربیتی با توجه به اهمیت نقش خانواده کوشیدند تا با ارائه راهکارهایی جهت استحکام این نهاد کوچک از انحرافات اجتماعی جلوگیری کنند و تحصیل این مهم نیازمند آشنایی هر یک از اعضای خانواده با وظایف خویش است. با توجه به اهمیت نقش خانواده و با توجه به جامع بودن دین مقدس اسلام، این مهم نیز مورد توجه دین مبین اسلام بوده است و آموزه‌هایی مانند ایمان و فضیلت‌گرایی اعضای خانواده، توجه به اهداف ارزشمند، توجه به غریزه جنسی همسر، آشنایی کامل اعضا با وظایف خود، پرهیز از افراط و تفریط و هدیه‌دادن جهت استحکام این نهاد بیان شده است که می‌توان با رعایت و به کار بردن این آموزه‌ها در زندگی، از ثمره آن که صفا و صمیمیت بین اعضا و استحکام خانواده و از بین رفتن انحرافات اجتماعی است، بهره‌مند شد.

کلید واژه‌ها: استحکام خانواده، ایمان، خانواده متعادل، محبت، هدیه.

^{*} دانش‌پژوه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی و استاد جامعه المصطفیٰ العالمیه نمایندگی گرگان.

مقدمه

خانواده یکی از نهادهای بنیادی و سازنده اجتماعات بشری است و نقش بسزایی در رشد و تربیت افراد جامعه و توسعه و تقویت ارزش‌های والای انسانی دارد. آنچه در عصر حاضر ذهن اندیشمندان و جامعه‌شناسان را به خود مشغول ساخته، مسائل مربوط به خانواده است. خانواده به عنوان مهم‌ترین کانون بشری، عنصر اساسی در تشکیل، پیشرفت و موفقیت یک جامعه و ملت است و لذا سعادت هر جامعه‌ای منوط به نیک‌بختی خانواده‌های آن جامعه است بنابراین، باید هر چه بیشتر در جهت نیل به سعادت‌مندی آن کوشید که دستیابی به این مهم تنها از طریق شناسایی کامل عوامل تحکیم بنیان خانواده امکان‌پذیر است. در این مقاله مهم‌ترین عوامل استحکام خانواده از منظر قرآن و سنت مورد بررسی قرار گرفته است.

انگیزه تحکیم روابط در خانواده

پایداری خانواده در طول تاریخ و در پهنه جغرافیای ملل، حاکی از انگیزه یا انگیزه‌هایی برای حفظ روابط و پیوند میان اعضای آن است. تحلیل این پیوند، در خانواده‌های مختلف با ساختارهای گوناگون، نمایانگر چند انگیزه محدود می‌باشد. برخی روان‌شناسان معاصر، آدمی را دارای چند انگیزه اصلی و بنیادی می‌دانند. برخی دو غریزه «صیانت ذات» و «غریزه جنسی» را برمی‌شمارند. برخی «انگیزه اجتماعی» را نیز به آن دو می‌افزایند و برخی چهار غریزه «صیانت ذات»، «تغذیه»، «غریزه جنسی» و «میل اجتماعی» را جزو این انگیزه‌ها به حساب می‌آورند. برخی که «میل جنسی» را محور تصمیم‌گیری‌ها و تحرکات بشر می‌دانند، اعتقاد دارند که هدف اصلی تشکیل خانواده، شکل حقوقی و رسمی دادن به ارضای این غریزه است.

در پاسخ باید گفت: میل جنسی در تشکیل خانواده (ازدواج) انگیزه مؤثر و اصلی است، اما در روابط و پایداری آن نقش انگیزه را نخواهد داشت و اگر عوامل دیگر به کمک آن نیایند، به تنهایی عاملی کافی نخواهد بود، زیرا منظور از تحکیم روابط، تداوم آن تا پایان همزیستی است. در حالی که میل جنسی در طول زندگی شدت و ضعف دارد و در دوران پیری اصولاً نقشی نخواهد داشت ولی روابط در بسیاری از خانواده‌ها در این دوران قوی‌تر و پایدارتر است و بر عکس در بسیاری از خانواده‌های جوان که میل جنسی شدیدتری حاکم است، به لحاظ آنکه این میل در خارج از خانواده پاسخ داده می‌شود، سستی بیشتری مشاهده می‌شود. پس «میل جنسی» در تحکیم روابط اعضای خانواده، نقش انگیزشی نداشته، بلکه عامل تقویت‌کننده است و به طراوت محیط و

بالا بردن سطح تحمل کمک می‌کند، از این رو نقش بسیار مهمی در خانواده دارد و همسران می‌توانند از آن برای یک زندگی پایدار کمک بگیرند.
از میان انگیزه‌های متفاوت و فراوانی که برای برپایی خانواده و حفظ پیوند میان اعضا می‌توان برشمرد، چند عامل، عمده به نظر می‌رسد:

۱. فطرت

انسان بر حسب فطرت، اجتماعی است و به طور طبیعی از انزوا و تنهایی گریزان است. به همین لحاظ تا قبل از تشکیل خانواده، به خانواده‌ای که در آن متولد شده، وابستگی شدید دارد و بعد از آن، در اولین فرصت مناسب، خود تشکیل خانواده می‌دهد و به آن وفادار می‌ماند. همچنین، تعلقات انسان به محیط و افرادی که با آنها مأنوس شده، به طور فطری انسان را پایبند می‌کند، گرچه به ظاهر امری اکتسابی به نظر می‌رسد، اما جذبه‌ای از درون است.

۲. اخلاق

خلق، عبارت از عادت، مروت، طبع و دین است. غزالی نیز اخلاق را عبارت از اصلاح و پیراستن قوای سه‌گانه تفکر، شهوت و غضب می‌داند. وی معتقد است اخلاق، هیئتی رسوخ‌یافته در نفس است که باعث می‌شود انسان با سهولت، آسانی و بدون تأمل و اندیشه رفتار نماید. این حالت، زمینه صدور افعال پسندیده و نیکو و دوری از افعال زشت و ناپسند است.

با رجوع به این دو تعریف و دیگر تعاریف اخلاق، مشخص می‌شود که رابطه اخلاق و خانواده، رابطه‌ای کاملاً مستقیم و الزامی است، زیرا جز در محیط امن و سازنده خانواده، انسان هرگز قادر به کسب آگاهی، کمال و رفع نواقص از نفس و رفتار خود نمی‌باشد. بنابراین، آسانی که جویای کمال و گریزان از ضعف و نقص است، طالب حضور در خانواده و تحکیم روابط اعضای آن می‌باشد. به طور کلی، استواری و محکم بودن خانواده‌ها (حتی در میان خانواده‌هایی که چندان پایبند به احکام الهی نمی‌باشند) حاصل پایبندی‌های اخلاقی اعضای آن و پرهیز از کج‌خلقی و فساد است. همچنین بسیاری از سنت‌های پسندیده میان اقوام مختلف، جهت عمل به همین اخلاقیات است، بنابراین، یکی از راه‌های حفظ خانواده بها دادن به این سنتها است.

۳. شریعت

نقش ادیان و شرایع مختلف در ساماندهی و هدایت زندگی بشر، به خصوص در روابط اجتماعی، نقشی اساسی، قابل اعتماد و پایدار بوده است. انبیای الهی از طریق

شرایع آسمانی و با تعیین ضوابط و آیین‌نامه‌های رفتاری، علاوه بر تصحیح روابط انسانی، بشر را مؤدب به آداب درست اجتماعی و خانوادگی کرده و از انسان غارنشین بی‌هویت، امت‌های بزرگ را ساخته‌اند. همه ادیان الهی بدون استثنا، شامل احکام دقیقی برای تنظیم روابط خانواده‌اند. این احکام در شکل اصلی‌شان و به دور از تحریف، به دلیل آنکه بر اساس فطرت وضع گردیده‌اند، ضامن سلامت و صلح در خانواده‌اند. به همین دلیل، خانواده در میان اقوام مؤمن، استوارتر بوده و میزان طلاق در آن، بسیار کمتر از اقوام غیرمقید است. بر این اساس، شریعت همواره به منزله یک معلم و مراقب در خانواده نقشی مؤثر را ایفا کرده است.

در تمامی شرایع آسمانی، محبت و ورزیدن، مدارای همسران با یکدیگر، خوش‌رفتاری و خوش‌کلامی در خانواده، رعایت حقوق یکدیگر، رسیدگی به کودکان، احترام به بزرگان و حمایت از بیماران، عبادت محسوب می‌شود و امری مقدس است. مؤمنین به انگیزه اطاعت از حق و جلب رضای خدا، سعی در کنترل رفتار خویش و صبوری در برابر ناملایمات زندگی دارند. البته این اطاعت، هم از سوی زن و هم از سوی مرد، پسندیده است، در غیر این صورت، یک‌سویه بودن آن، بنای ظلم در خانواده خواهد بود. این انگیزه (شریعت) تاکنون قوی‌ترین انگیزه در تحکیم روابط خانواده بوده است. تعالی معرفت دینی و مؤدب شدن به آداب الهی با پایداری خانواده نسبتی مستقیم دارد. چنانچه دولت‌ها با کمک مراجع دینی، سطح آگاهی و پایبندی خانواده‌ها را به تقیدات دینی بالا ببرند، به طور قطع از میزان اختلافات کاسته و بنای خانواده استوارتر خواهد شد. اکنون برخی از جوامع غربی که فروپاشی خانواده را بزرگ‌ترین معضل اجتماعی اعلام کرده‌اند، برای بازسازی خانواده دست به دامان کلیسا و دعوت جوانان به مذهب شده‌اند.

علاوه بر سه انگیزه فوق، عواملی چون تأمین اقتصادی، کسب حیثیت اجتماعی، ادامه نسل و حفظ هویت نیز می‌توانند در شمار انگیزه‌های تحکیم روابط شمرده شوند، لیکن به طور معمول کارکرد خانواده محسوب می‌شوند. (حسینی، ۱۳۸۳: ۴۹)

ویژگی‌های خانواده سالم و متعادل

تعاریف مختلف و مصادیق گوناگون از خانواده متعادل ارائه شده است، از جمله اینکه در خانواده متعادل زن و مرد از بینش تکامل و تحولی برخوردارند که فرد را برمی‌انگیزد تا دیدگاهی ثابت و غیرقابل تغییر نسبت به زندگی و همسر خود اتخاذ نکند.

بینش تکاپویی فرد نسبت به همسر او را می‌دارد تا به رغم ضعف‌ها و ناپختگی‌ها از ناحیه همسر شخصیت وی را هم چنان با ارزش تلقی کند و شخصیت انسان را

پدیده‌ای رو به رشد و قابل توسعه در نظر آورد که پیوسته فرصت‌هایی برای شکوفایی آن وجود دارد و همسر وی نیز از این قاعده مستثنی نیست. (شرفی، ۱۳۷۲: ۵۶)

عوامل تحکیم بنیان خانواده

عوامل فراوانی در تحکیم بنیان خانواده و سالم و متعادل بودن آن مؤثرند که در ذیل، به مهم‌ترین آنها پرداخته شده است:

۱. ایمان و فضیلت‌گرایی اعضای خانواده

در قرآن توصیه‌های مکرری به تقوا در تشکیل خانواده شده است، چنان که می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛ ای مردم! از مخالفت پروردگارتان بپرهیزید، همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت و از خدایی بپرهیزید که هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید نام او را می‌برید. از قطع رابطه با خویشان خود بپرهیزید، زیرا خداوند مراقب شماست.» (نساء: ۱)

همچنین خداوند در سوره بقره، شرط ازدواج با مشرکان را ایمان آنها دانسته است: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ؛ و با زنان مشرک و بت‌پرست تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید. کنیز با ایمان از زن آزاد بت‌پرست بهتر است، هرچند (مال و زیبایی او) شمارا به شگفتی آورد؛ و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست درنیاورید تا ایمان نیاورده‌اند. یک غلام با ایمان از یک مرد آزاد بت‌پرست بهتر است هرچند (مال و موقعیت و زیبایی او) شما را به شگفتی آورد.» (بقره: ۲۲۱)

استدلال قرآن در آیه چنین است که گرچه مشرکان به دلیل آزاد و زیبا بودن، برتری ظاهری دارند، اما چون زناشویی با آنان باعث لغزش‌های اخلاقی و عقیدتی فرد مسلمان می‌شود، کنیزان و بردگان مسلمان بر آنان ترجیح دارند. این امر برای جوانان که گاه سخت شیفته و شیدای جمال و زیبایی ظاهری یا موقعیت مادی و اجتماعی طرف مقابل می‌شوند و ارزش‌های دینی و معنوی را فدای آن می‌سازند، هشدار و رهنمون مناسبی است. گفتنی است بسیاری از ازدواج‌هایی که بر اساس زیبایی‌های ظاهری شکل گرفته، بعدها از هم فروپاشیده است. (بهجت پور، ۱۳۸۴: ۲۴۸)

۲. توجه به اهداف ارزشمند

زوجین باید هدف‌های مهم و ارزشمندی را در نظر گرفته و دنبال کنند و هدفشان تعالی و تکامل روح و جسم باشد. زوجین نباید هرگز از هدف‌های متعالی نظیر مطالعات

رسمی و غیررسمی، تربیت فرزندان برومند و مشغولیت‌های مفید به‌گونه‌ای که به انسان احساس ارزشمندی بدهد، غافل شوند. هر انسان در عین حال که به رشد خودش فکر می‌کند باید از رشد همسرش هم غافل نباشد. اگر انسان در فکر و اندیشه‌اش جایی را برای رشد و تکامل هم سرش در نظر نگیرد زندگی به شکست می‌انجامد. (شرفی، ۱۳۷۲: ۱۰)

۳. توجه به غریزه جنسی همسر

قرآن در مورد خانواده می‌فرماید که خانواده از دو جنس مخالف یعنی از زن و مرد تشکیل می‌شود و راه طبیعی تکثیر نسل انسان همین است. برای حفظ و استمرار سلامت و آرامش روانی و تعادل کانون خانواده اولین نکته تصدیق صریح و درک احساس جنبه جنسی همسر خویش است. غریزه جنسی مثل غذا خوردن و خوابیدن است و انسان همان‌گونه که گرسنه می‌شود به غذا نیاز دارد و همان‌گونه که می‌خوابد، غریزه جنسی او نیز باید اشیاع گردد؛ هم از طرف زن و هم از طرف مرد. (نبی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۰۶)

آدمی دارای غرایز و نیازهای متعدد و متفاوتی است که این نیازها ستون‌های شخصیت او را می‌سازند ارضای به‌موقع و به اندازه آنها در سلامت جسم و روان وی تأثیر قابل ملاحظه‌ای دارد. یکی از نیازها نیاز جنسی است اساس خانواده که محور اصلی کلیه اجتماعات بشری محسوب می‌شود بر غریزه جنسی استوار است. این غریزه خودکشش دلبذیری است که زن و مرد را به سوی ازدواج می‌کشاند و بقا و تداوم خانواده را تضمین می‌کند و در سایه ارضای آن علاوه بر نیازهای جسمانی، فرد از لحاظ اخلاقی فکری و روانی به آرامش می‌رسد. عشق و تمنایی که در نهاد آدمی به ودیعه نهاده شده است فعلیت می‌یابد و موجبات رشد و شکوفایی ابعاد دیگر آدمی فراهم می‌آید. (حسینی‌زاده مهدوی، ۱۳۸۵: ۲۸)

۴. آشنایی کامل اعضای خانواده با حقوق و وظایف خود

حق و وظیفه از هم جدا نیستند، یعنی هر کس حقی داشته باشد، در مقابل وظیفه‌ای نیز دارد و بالعکس. این موضوع در مورد تمام افراد بشر ثابت است و تنها خداست که حقوقی دارد اما وظیفه‌ای بر او نیست. بدیهی است که اعضای خانواده نیز نسبت به هم حقوق و وظایفی دارند که بخشی از حقوق را ذکر می‌کنیم.

الف) حق والدین بر فرزندان

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق خود، حق پدر و مادر بر فرزندان را این‌گونه بیان می‌فرماید: حق مادرت این است که بدانی او تو را حمل کرده آن‌گونه که کسی، کس دیگر را حمل نکند؛ و از شیر جانش تو را خورانده آن‌گونه که کسی دیگری را نخوراند؛ و به راستی، او با گوش و چشم و دست و پا و مو و پوست و تمام اندامش تو را نگاه‌داری کرده و از این نگاه‌داری، خشنود و شاد و پیوسته کار بوده است؛ و هر ناگواری و رنج و سختی و نگرانی را تحمل کرده تا اینکه دست قهر (طبیعت) را از تو دور سازد و تو را به دنیا آورده و آنگاه خشنود بوده که تو سیر باشی و او گرسنه باشد، تو پوشیده باشی و او برهنه ماند، تو را بنوشاند و خود تشنه ماند، تو را در سایه دارد و خود در آفتاب باشد، با تنگنایی خویش به تو نعمت بخشد، با شب‌بیداری تو را شیرینی خواب چشاند و شکمش آوند وجود تو و دامش پرورش تو و پستانش مشک نو شین تو و وجودش پر ستار تو بوده. گرم و سرد دنیا را برای تو و به خاطر تو به جان خریده پس به اندازه این همه (تلاش مادر) سپاسش دار و جز به یاری و توفیق خداوند، تو را یاری آن سپاس‌داری نباشد.

حق پدرت این است که بدانی به راستی او ریشه توست و تو شاخه اوئی و چون او نبود تو نیز نبود. پس هرگاه در خویش چیزی دیدی که پسندیده آمد پس آگاه باش که این نکویی در تو، ریشه در پدرت دارد پس خدای را ستایش نما و به اندازه آن نکویی، سپاسش دار و لا قوه الا بالله. (ابن شعبه، ۱۳۸۲: ۴۶۱)

از اینجا است که انسان در می‌یابد چرا خداوند مسئله نیکی به پدر و مادر و شکر زحمات آنها را مقدمه‌ای بر شکر خود شمرده است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي؛ ما به انسان تو صیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند... می‌گوید: پروردگارا مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی به‌جا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی و فرزندان مرا صالح گردان.» (احقاف: ۱۵)

(ب) حق فرزندان بر والدین

در این مورد نیز امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق فرمودند: حق فرزند تو این است که بدانی او از توست و در پسند و ناپسند دنیای زودگذر، دنباله‌روی توست؛ و به درستی که تو در تربیت نیکو و راهنمایی به سوی پروردگارش و یاری سانی او در فرمان‌پذیری از خداوند نسبت به خویشتن و حق فرزندت پرسیده خواهی شد. پس (اگر وظیفه‌ات را به انجام رسانی) پاداش گیری و (چون کم‌کاری کنی) بازخواست شوی. پس کار فرزندت را

چنان کسی که کارش را در این سرای زودگذر با نیکو ثمری بیاراید، انجام بده و در روابط تو و فرزندت به سبب نگهداری خوب و ثمر الهی که از او گرفته‌ای نزد پروردگار، عذرت پذیرفته باشد. (ابن شعبه، همان: ۴۶۱)

برای فرد بی‌قرار و بی‌تاب، هم آسیب ناشی از مصیبت می‌ماند و هم آسیب‌های ناشی از بی‌تابی‌ها و لذا اگر بی‌تابی بر کسی چیره شود، روی آسایش را نخواهد دید. پیامبر، در این باره می‌فرماید: مَنْ اسْتَوَلَى عَلَيْهِ الضُّجْرُ رَحَلَتْ عَنْهُ الرَّاحَةُ؛ کسی که بی‌تابی و تنیدگی بر او چیره شود، آسودگی از او رخت بریندد. (پاینده، ۱۳۸۲: ۷۷۵)

ج) وظیفه هر یک از زن و مرد نسبت به کل خانواده

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ». (تحریم: ۶)

دستور امر به معروف و نهی از منکر یک دستور عام است که همه مسلمین نسبت به یکدیگر دارند، ولی از این آیه و نیز روایاتی که درباره حقوق فرزند و مانند آن در منابع اسلامی وارد شده به‌خوبی استفاده می‌شود که انسان در مقابل همسر و فرزند خویش مسئولیت سنگین‌تری دارد و موظف است تا آنجا که می‌تواند در تعلیم و تربیت آنها بکوشد، آنها را از گناه بازدارد و به نیکی‌ها دعوت نماید، نه اینکه تنها به تغذیه جسم آنها اکتفا کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۲۹۳)

امام علی علیه السلام در این مورد فرمودند: «علموا انفسکم و اهلیکم الخیر و ادبوه؛ خود و خانواده خویش را نیکی بیاموزید و آنها را ادب کنید». (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق: ۳۸۰)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز فرمودند: «بدانید همه شما نگهبانید و همه در برابر کسانی که مأمور نگهبانی از آنها هستید، مسئولید... مرد، نگهبان خانواده خویش است و در مقابل آنها مسئول، زن نیز نگهبان خانواده، شوهر و فرزندان است و در برابر آنها مسئول است». (مکارم شیرازی، همان: ۲۹۴)

در آیه دیگری از قرآن می‌خوانیم خطاب خدا به پیامبرش را که فرموده است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده». (طه: ۱۳۲)

د) حقوق و وظایف زن و شوهر نسبت به یکدیگر

طبق آیه «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ» (بقره: ۲۲۸) همان طور که مرد بر زن حقوقی دارد، زن نیز بر مرد حقوقی خواهد داشت؛ یعنی طرفین نباید از حقوق خود سوء استفاده کنند، بلکه بایستی حق یکدیگر را به صورت

شایسته ادا کنند؛ چنان که در آیه از لفظ «بالمعروف» استفاده شده است. (مکارم شیرازی، همان، ج ۲: ۱۶۳)

امام سجاد علیه السلام در مورد ضرورت مهرورزی به همسران چنین فرمودند: «حق همسرت آن است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه سکون و هم‌نشینی تو قرار داده است و باید بدانی که او نعمت خداوند بر توست. پس او را گرمی بدار و با او با رفق و مدارا برخورد نما و هرچند حق تو بر او بیشتر است، اما حق او بر تو این است که با او مهربانی کنی.» (ابن شعبه، پیشین: ۴۵۹)

علاوه بر همدلی و همراهی، تقدس حق شوهر بر زن چنان والا است که هم‌ردیف شرکت در جهاد فی سبیل الله قرار گرفته است. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «جهاد المرأة حسن التبعل؛ جهاد زن، نیکو همسرداری کردن است.» (العروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۵۲۲)

مهر و محبت اعضای خانواده به همدیگر سبب جلب رضایت و رحمت خدا می‌شود که بدیهی است چنین خانواده‌ای پایدار و سعادتمند است.

۵. روابط سالم و تفاهم‌آمیز میان اعضای خانواده

تمام ارتباطات درونی این خانواده بر اساس برابری و مساوات شکل می‌گیرد حتی والدین نیز از این قاعده جدا نیستند. آزادی درون خانواده موجبات گسترش حس همیاری و همفکری اعضای خانواده را تأمین می‌کند. (نجاتی، ۱۳۷۶: ۳۴)

مهم‌ترین عاملی که سبب تفاهم و همکاری اعضای خانواده می‌گردد وجود روحیه مشورت در خانواده است که در عین ایجاد خانواده‌ای مستحکم و صمیمی، بهترین محافظ در برابر مشکلات و موانع زندگی نیز هست. مولی علی علیه السلام فرمودند: «و لا ظهیر کالمشاوره؛ هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست.» (نهج البلاغه: ۴۷۸)

در طول تاریخ زندگانی بشر نیز بهترین و مستحکم‌ترین کانون‌های خانوادگی، آنهایی بوده‌اند که در آن، زن و شوهر و فرزندان با همفکری و همکاری حرکت نموده‌اند. نمونه بارز و برترین الگوی آن، در زندگی امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام به چشم می‌خورد؛ اما خانواده‌هایی که اعضای آن در امور خیر و معنوی، همکار و همفکر نیستند چنین نیستند. در ذیل به سه نمونه اشاره می‌گردد:

(الف) خانواده‌ای که مرد، خوب اما زن بد است، مثل لوط (ع) و نوح (ع) و همسرانشان.

(ب) خانواده‌ای که زن، خوب اما مرد بد است، مثل آسیه و فرعون.

(ج) خانواده‌ای که در خبایث همفکر و همکارند نه امور خیر، مثل ابولهب و

همسرش. (قرآنی، ۱۳۸۹: ۱۸۰)

۶. برخورداری از روحیه عفو و گذشت

خداوند کریم در قرآن می‌فرماید: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ باید مؤمنان عفو و صفح پیشه کنند و از بدی‌ها درگذرند؛ آیا دوست نمی‌دارید که خدا هم در حق شما مغفرت (و احسان) فرماید؟ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.» (نور: ۲۲)

یکی از صفاتی که موجب تحکیم کانون خانواده می‌شود گذشت از خطای اعضای خانواده است. این صفت ارزنده در سیره ائمه معصومین [و انبیاء الهی جلوه تام دارد. اگر انسان در محیط خانواده یا جامعه از اشتباهات دیگران بگذرد صفا و صمیمیت را در پی خواهد داشت. مهم‌تر اینکه این امر باعث می‌شود که پروردگار عالم در روز قیامت از بدی‌ها و خطاهای انسان چشم‌پوشد و او را ببخشد. وجود عفو و گذشت یقیناً کانون خانواده را با حرارت نگه می‌دارد و موجب بخشش گناهان می‌شود. (مظاهری، ۱۳۷۰: ۴۰)

۷. رعایت اخلاق نیکو و رعایت ادب و احترام متقابل در خانواده

حُسن خلق در خانواده باعث گرم‌تر شدن کانون خانواده، نزدیک شدن زن و شوهر و موجب افزایش محبت بین اعضای خانواده می‌شود کانون خانواده بهترین مکان برای خوش‌رفتاری و بروز حسن خلق است و گرنه در خارج از منزل به علت شئون اجتماعی هرکسی مجبور است رفتاری اخلاقی داشته باشد. (میرباقری، ۱۳۸۷: ۶۱)

حسن خلق در زندگی فواید بسیار زیادی دارد

الف) شیرین‌تر شدن زندگی

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «بحسن الخلق يطيب العيش.» (کراچکی، ۱۳۵۳: ۷۲)

ب) افزایش محبت

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «ثَلَاثٌ يُوَجِّبُنَّ الْمَحَبَّةَ، حُسْنُ الْخُلُقِ وَ حُسْنُ الرَّفْقِ، وَ التَّوَاضُّعُ؛ سه چیز باعث ایجاد محبت می‌شود، حسن خلق، حسن رفتار و تواضع.» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۱۲)

و پیغمبر اکرم، می‌فرمایند: «حُسْنُ الْخُلُقِ يَثْبُتُ الْمَوَدَّةَ؛ خوش‌اخلاقی دوستی را استوار می‌کند.» (طبرسی، ۱۳۸۵: ۷۰)

ج) افزایش روزی

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «حسن الخلق يزيد في الرزق.» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۲۰: ۷۶۶)

د) نشانه کمال ایمان

حضرت رسول اکرم، می‌فرمایند: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي؛ بهترین مردم کسی است که نسبت به خانواده‌اش خوش‌اخلاق‌تر باشد.» (صحیفه امام‌رضا، ۱۴۰۶ق: ۵۷)

دارا بودن اخلاق خوش یکی از اصول بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در حیات انسان‌ها است. خوش‌اخلاقی در محیط زندگی، نه تنها از انسان را از انواع نگرانی‌ها و تشنجات عصبی مصون می‌دارد، بلکه عامل بسیار مؤثری برای پیروزی بر مشکلات و دشواری‌هایی است که برای انسان پیش می‌آید. حضرت علی { می‌فرماید: «لا عیش أَلذَّ مِنْ حَسَنِ الْخَلْقِ؛ لذتی خوشگوارتر از خوش‌خلقی نیست.» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵۷۲) حفظ حرمت و شخصیت دیگران، در گرو احترامی است که در برخوردها از انسان ظاهر می‌گردد. رعایت این مسئله خصوصاً از سوی کسانی که باهم انس و الفتی دارند باعث استحکام دوستی و گرمی روابط خواهد شد که بارزترین مصداق آن خانواده است. در واقع، اخلاق نیک به مثابه روغنی است که از سایش و فرسودگی قطعات انسانی در اثر برخورد و اصطکاک مداوم جلوگیری می‌کند. آمارها نشان می‌دهد که یکی از مؤثرترین عوامل فروپاشی خانواده‌ها، سوء خلق همسران است.

برخی از مفسران مقصود از آیه «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ» (الرحمن: ۷۰) را که در توصیف همسران بهشتی است، زنان خیر، نیک‌منش، زیبارو و زیبا سیرت دانسته‌اند. بر این اساس، مقصود از «حسان» تنها زیبایی چهره و اندام نیست، بلکه زیبایی سیرت نیز هست (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۳۴۷) که بالطبع خوش‌خلقی از برترین مصداقیق آن است.

۸. پرهیز از افراط و تفریط در عبادات

کودکان و نوجوانان دارای توانایی‌های محدود بوده و قادر به انجام کارهای سنگین و مشقت‌آور نیستند. توقعات بی‌جا از فرزندان علاوه بر اینکه در وجود آنان عقده روانی ایجاد می‌کند خدای ناخواسته موجب می‌شود که راه‌ها و حیل‌هایی را برای فرار پیدا کنند و به دروغ متوسل شوند در خانواده‌های متعادل و بالنده والدین در پرورش مذهبی فرزندان از افراط و تفریط پرهیز می‌کنند و هیچ‌گاه آنان را به عبادت زیاد مجبور نمی‌سازند.

دختر امام خمینی در مصاحبه‌ای نقل می‌کند که زمانی همسر من از روی عادت خانوادگی صبح‌ها دخترم را از خواب شیرین بیدار می‌کرد که نماز بخواند امام که در جریان این امر قرار گرفتند برای ایشان پیغام فرستادند که شیرینی اسلام را به مذاق بچه تلخ مکن. (نساجی، ۱۳۹۲: ۴۸)

۹. هدیه دادن

در روانشناسی بحثی است بنام «کوچک‌های بزرگ» یعنی ای چه‌بسا انسان مسئله‌ای را کوچک می‌شمرد در حالی که از نظر معنا و واقعیت بسیار بزرگ است. محیط خانه نیز کوچک‌های بزرگی دارد که یکی از آنها هدیه دادن است. (اکبری، ۱۳۷۸: ۶۵)

یکی از سنت‌های اسلامی هدیه دادن می‌باشد. هدیه موجب خوشحالی و صفا و صمیمیت می‌شود، هدیه دادن دل‌ها را به هم نزدیک و امیدوار و شادمان می‌کند و کینه و نفرت را از بین می‌برد. (قاضی، ۱۳۹۰: ۲۴۸)

پیامبر اسلام، می‌فرماید: «مَنْ كَخَلَ الشُّوقَ فَاشْتَرَى ثُحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلِ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ؛ هر کس به بازار رود و هدیه‌ای برای خانواده‌اش بخرد و ببرد، [پاداش او] مانند کسی است که برای نیازمندان صدقه می‌برد». (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵: ۱۱۸)

در جایی دیگر می‌فرماید: «تَهَادَوْا تَحَابُّوا فَإِنَّ الْهَدِيَّةَ تَذْهَبُ بِالضَّغَائِنِ؛ هدیه دهید تا بینتان محبت برقرار شود. همانا هدیه دادن کینه‌ها را از بین می‌برد». (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۷: ۴۷۱)

احترام به شخصیت افراد عشق و محبت را در وجود آنان زنده می‌کند. هدیه دادن نیز احترام به طرف مقابل است و کسی که هدیه را می‌گیرد بی‌اختیار و از روی فطرت خدادادی خویش مهر و محبت هدیه‌دهنده را در دل خود جای می‌دهد. این نکته در روابط زنا شویی اهمیت ویژه‌ای دارد و عامل مهمی در ایجاد انس و الفت و هم‌گرایی زن و مرد است. (روحی، ۱۳۹۰: ۱۲۱)

نتیجه

انسان همواره به شناخت آنچه در طول زندگی با آن در ارتباط است نیاز دارد. از جمله مهم‌ترین آنها خانواده است که نحوه تشکیل و بقای آن نقش مهمی در سعادت‌مندی افراد، جوامع و ملت‌ها دارد و لذا باید در تحکیم بنیان‌های خانوادگی بسیار کوشا بود. دین اسلام در این عرصه نیز همچون سایر ابعاد و عرصه‌ها، آموزه‌های متعالی و حیات‌بخشی را ارائه می‌نماید و لذا به عواملی چون وجود ایمان و تقوا، عفو و گذشت، اعتماد متقابل، صبر و شکیبایی، هدیه دادن، اخلاق نیکو، شناخت حقوق و وظایف و... در اعضای خانواده پرداخته است.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۲)، *تحف العقول*، ترجمه صادق حسن زاده، قم: آل علی (ع).
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة* (ع)، ج ۱، تبریز: نشر بنی هاشمی.
- اکبری، محمود (۱۳۷۸)، *صمیمانه با عروس و داماد*، ج ۱۲، قم: نورالزهراء.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله ابن نورالله (۱۴۱۳ق)، *عوامل العلوم والمعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال*، ج ۱، قم: مؤسسة الإمام المهدي (ع).
- به پژوه، احمد (۱۳۹۰)، «مقایسه ویژگی‌های خانواده سالم و ناسالم»، نشریه پیوند، ش ۳۸۸.
- بهجت پور، عبدالکریم و دیگران (۱۳۸۴)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*، ج ۱، قم: معارف.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه*، ج ۴، تهران: دنیای دانش.
- حسینی، اکرم (۱۳۸۲)، «تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی»، مجله کتاب زنان، ش ۲۶.
- حسینی زاده مهدوی، معصومه (۱۳۸۵)، «نگاه ویژه: استحکام روابط در خانواده‌های سالم و متعادل»، نشریه مشاور مدرسه، ش ۶.
- روحی، زهرا (۱۳۹۰)، «تحکیم خانواده و راهکارهای تقویت آن»، نشریه، طهورا، ش ۱۱.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۷۲)، «خصوصیات خانواده متعادل»، نشریه تربیت، ش ۷۷.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۷۲)، *خانواده متعادل*، ج ۴، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳)، *تفسیر شریف لاهیجی*، ج ۴، ج ۱، تهران: دفتر نشر داد.
- شهید ثانی، زین‌الدین ابن علی (۱۴۰۹ق)، *منیة المرید*، ج ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵)، *مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار*، ج ۲، نجف: مکتبه الحیدریه.
- العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *تفسیر نورالثقلین*، ج ۴، قم: نشر اسماعیلیان.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ق)، *الوائفی*، ج ۱، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
- فیض الاسلام (۱۳۷۹)، *نهج البلاغه*، ج ۵، تهران: فقیه.
- قاضی، فاطمه (۱۳۹۰)، *از دواج*، ج ۴، قم: نشر شهاب‌الدین.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۹)، *چهارصد نکته از تفسیر نور*، ج ۳، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کراچکی، محمد بن علی (۱۳۵۳)، *معدن الجواهر و ریاضة الخواطر*، ج ۲، تهران: المکتبه المرتضویه.
- کنگره جهانی امام رضا علیه السلام (۱۴۰۶ق)، *صحیفة الإمام الرضا علیه السلام*، مشهد.
- لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، *عیون الحکم و المواعظ (الیثی)*، ج ۱، قم: دارالحديث.
- مظاهری، حسین (۱۳۷۰)، *خانواده در اسلام*، ج ۷، قم: انتشارات شفق.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، ج ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- میرباقری، سید محسن (۱۳۸۷)، *به رنگ آسمان*، ج ۲، مشهد: انتشارات آستان قدس.
- نبی پور، علی (۱۳۹۰)، «*رویکرد متعالی انسان به حقوق خانواده و نقش آن در تعادل و کارآمدی خانواده*»، نشریه طهورا، ش ۲۳.
- نجاتی، حسین (۱۳۷۶)، *روان‌شناسی زناشویی*، ج ۲، تهران: انتشارات بی‌کران.
- نساجی، اسماعیل (۱۳۹۲)، «*شاخص‌های خانواده متعادل در اسلام*»، *درس‌هایی از مکتب اسلام*، ش ۶۲۶.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.